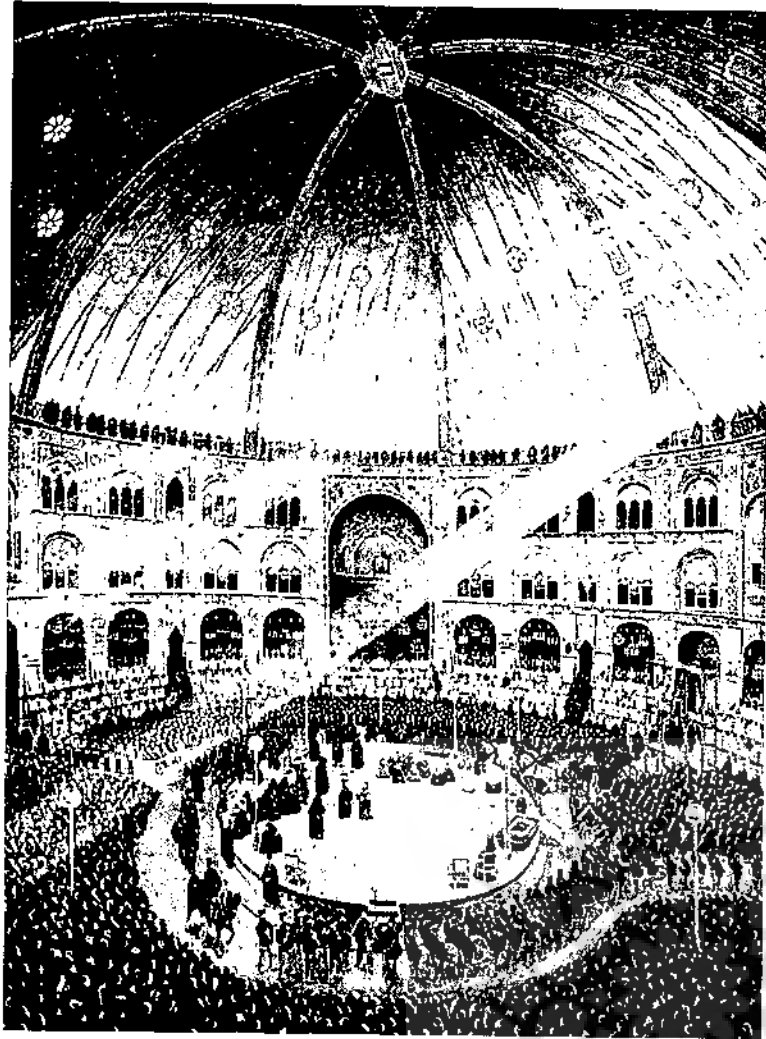


نمایی از تکیه دولت در دوره قاجار



● مجتبی تبریزنیا

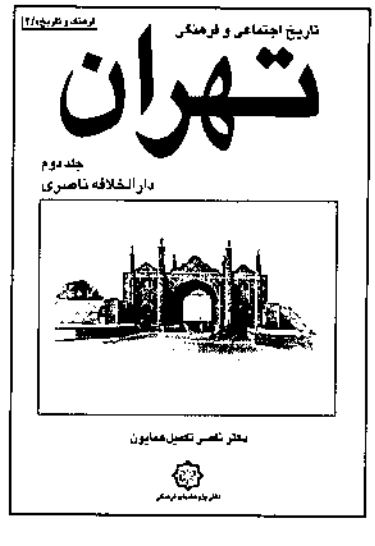
سیمای تهران عهد ناصری در نگاهی به کتاب تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران

زمان ویران ساختن برج و باروهای شاه تهماسبی (۱۲۸۴ هـ. ق. / ۱۸۶۷ م) در عصر ناصری به منظور توسعه محدوده شهر و موسوم شدن تهران به «دارالخلافه ناصری» تا انهدام حصار و دروازه‌های دارالخلافه ناصری در اوایل دوران پهلوی آشنا می‌شویم. به عبارت دیگر کتاب حاضر تغییر و دگرگونی‌های شهر تهران را هم از نظر ساختار شهری و بناهای آن و هم به لحاظ زندگی شهرنشینی با تمامی ابعاد آن در دوره‌های ناصری، مظفری، مشروطه و اوایل پهلوی ذیل پنج بخش به شرح زیر توصیف و بررسی نموده است.

در بخش یکم که شامل «تهران عصر ناصری» است، از ویران شدن قلعه قدیمی صفویان و بنای دارالخلافه تا گسترش شهر و آبادانی آن و مسئله جدید مالکیت اراضی، پدید آمدن باغ‌ها و عمارت‌های درون شهری و حومه‌ای سخن به میان آمده است. نویسنده در فصل اول این بخش پس از اشاره به نحوه ویران ساختن باقیمانده حصار شاه تهماسبی، چگونگی بنای دارالخلافه ناصری را شرح داده، محدوده آن را بر اساس اسامی کنونی به این شرح تعیین نموده است: «حد شمالی: خیابان انقلاب اسلامی (از میدان انقلاب تا میدان امام حسین (ع))، حد غربی: خیابان کارگر (از میدان انقلاب تا میدان راه‌آهن)، حد جنوبی: خیابان شوش (از میدان راه‌آهن تا میدان شوش)، حد جنوبی: خیابان هفده شهریور (از میدان شوش تا میدان امام

شهر تهران که تا قرون اخیر دهی از توابع ری بوده، به ویژه پس از ویرانی ری به دست مغول و کوچ اهالی ری به تهران، به تدریج رو به آبادانی گذاشت. از کتاب‌های جغرافیایی قدیم چنین استنباط می‌شود که شهر تهران ابتدا در قسمت جنوبی بنا شده و خانه‌های پستی داشته و بعدها کم‌کم از طرف شمال توسعه یافته و منازل را بیشتر به سرچشمه قنات‌ها نزدیک کرده‌اند. در زمان شاه تهماسب صفوی در سال ۹۶۱ هـ. ق. حصار و باروتی با چهار دروازه و چهارده برج در اطراف تهران کشیده شد. تهران با این مشخصات حوادث بسیاری را در دوره افغان‌ها، افشاریه و زندیه از سرگذراند. با انتخاب تهران به عنوان پایتخت توسط آقامحمدخان قاجار، چهره این شهر به تدریج رو به توسعه و دگرگونی نهاد تا اینکه در عصر ناصری تحولی جدی در جهت وسعت بخشیدن به شهر و ساخت و ساز بناها و معابر بر اساس اسلوبی جدید صورت گرفت.

مجموعه تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران پژوهشی است گسترده و مستند درباره مشخصات و ویژگی‌ها و جنبه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زندگی شهری و تا حدودی جغرافیایی شهر تهران در طول تاریخ، به ویژه سده‌های اخیر. نویسنده محقق اثر در هر جلد، تصویر کامل و مستندی از این شهر در مقطع تاریخی خاصی با کاملترین جلوه‌های ممکن ترسیم نموده است. در دومین جلد از این مجموعه که اخیراً به طبع رسیده با سیمای شهر تهران از



- تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، جلد دوم
- تألیف: دکتر ناصر تکمیل همایون
- ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.

حسین (ع)) بر این شهر گسترده و جدید، دوازده دروازه با کاشی کاری‌های قاجاری، به شرح زیر گشود می‌شد: از شمال: دروازه یوسف‌آباد، دروازه دولت، دروازه شمیران، از غرب: دروازه باغشاه، دروازه قزوین، دروازه گمرک، از جنوب: دروازه خانی‌آباد، دروازه غار، دروازه حضرت عبدالعظیم، از شرق: دروازه دوشان تپه، دروازه دولاب، دروازه خراسان.

به این دروازه‌ها از سال ۱۳۰۶ ه. ق / ۱۸۸۹ م، دروازه راه‌آهن حضرت عبدالعظیم نیز اضافه گردید که محل عبور «ماشین دودی» بود و تا سال‌های اخیر نیز باقی مانده بود.^۱

مؤلف در فصل دوم بخش نخست پدیده مالکیت زمین و مفهوم جدید آن پس از توسعه شهر را مورد بررسی قرار داده، تنظیماتی که برای ثبت املاک (طرح کاداستره) صورت گرفت را تشریح می‌کند به کتابچه‌ای که اعتمادالسلطنه در مورد مالکیت اراضی «دارالخلافه طهران» تهیه نموده و در آن انواع و اقسام املاک مشخص شده بود، اشاره کرده است.

در سومین فصل بخش یکم، فهرست کاملی از باغ‌ها و عمارت‌های بیلاقی که در داخل محدوده شهر جدید و حومه آن ساخته شده با ذکر حمل و نشانی‌ها و صاحبان هر یک ارائه شده است.

بخش دوم کتاب به شناخت تغییرات شهر تهران و معرفی بناها و آثار شخصی و عمومی ساخته شده در مقطع زمانی «انقلاب مشروطیت تا استقرار سلطنت پهلوی» اختصاص دارد.

مؤلف در آغاز این بخش طی تحلیلی کلی و کوتاه، تأثیر شرایط اجتماعی - سیاسی دوران یاد شده را چنین بیان می‌کند: «با وجود آنکه در فضاهای فراهم آمده در «دارالخلافه» بناهای جدیدی بر پایه نیازهای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی و اقتباس از سیمای شهرنشینی اروپایی پدید آمد، اما در دوره مظفردالدین شاه پیشرفت‌های لازم به منصف ظهور نرسید و در دوره اقدامات مشروطه‌خواهان هم نه تنها این توقف باقی ماند، بلکه خرابی‌هایی نیز در وضع سابق پدید آمد، بروز جنگ جهانی اول اوضاع پایتخت را ناگوارتر کرد. در همین دور زمین‌های تهران به مالکیت رجال بزرگ دیوانی درآمد و این امر در زمان‌های بعد آسیب زیادی بر تهی‌دستان و ساکنان بی‌خانه تهران وارد کرد. باغ‌ها و بستان‌های جدیدی پدید آمدند و در کنار عمارت‌های فرسوده، شرایطی برای اتحاد کوشک‌ها و بناهای جدید فراهم گردید. در این دوره، اداره شهر تهران، بیش و کم سازمان پیدا کرد و با داشتن پایه‌های سنتی (احتسابیه)، شیوه‌های اروپایی شهرداری (بلدیه) را نیز اقتباس کرد ولی در مسیر تحولات و سلطه‌یابی سیاست بر مسائل اجتماعی و فرهنگی شهرها، خاصه با نظامی کردن نهاد نوبنیاد «بلدیه» پایتخت در مسیر دگرگونی‌های حکومت ساخته جدیدی قرار گرفت».^۲

در این بخش سیمای شهر تهران در دوران یاد شده طی سه برهه، در سه فصل توصیف گشته که عبارت‌اند از: ۱- تحولات دوران انقلاب: «دوره مظفری»، «آغاز حاکمیت مشروطیت»، ۲- دگرگونی در دوره مشروطیت، ۳- دوره پایانی دارالخلافه تهران: «نهاد احتسابیه و

بلدیه»، «کودتا و تسلط قشون بر امور شهر»، «فروریختگی دارالخلافه». در هر یک از این فصول تأثیر رخدادهای سیاسی داخلی و خارجی در تداوم یا توقف توسعه شهر ارزیابی شده از بناهای ساخته شده و تغییرات مربوط به هر مقطع سخن به میان آمده است. همچنین در فصل سوم این بخش، «قانون بلدیه» که در سال ۱۳۲۵ ه. ق / ۱۹۰۷ م. به تصویب رسید، آمده است و به اقدامات رضاشاه در سال‌های آغازین قدرت‌گیری او در جهت تغییر معیار و بناها اشاره شده است. نگارنده بررسی تاریخی و توصیف تهران را در این جلد به سال ۱۳۱۱ ه. ش. که دروازه‌های دارالخلافه ناصری یکی پس از دیگری فروریخت، خندق‌های دور شهر پر می‌شد و خیابان‌های شبه گمربندی، شهر هشت ضلعی سابق تهران را به صورت مربع محصور کرد ختم می‌نماید.

مطالب بخش‌های سوم، چهارم و پنجم کتاب، اطلاعات و شناخت ما را از جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مردم تهران در مقطع زمانی موردنظر این جلد (از عهد ناصری تا اوایل سلطنت پهلوی) تکمیل می‌کند.

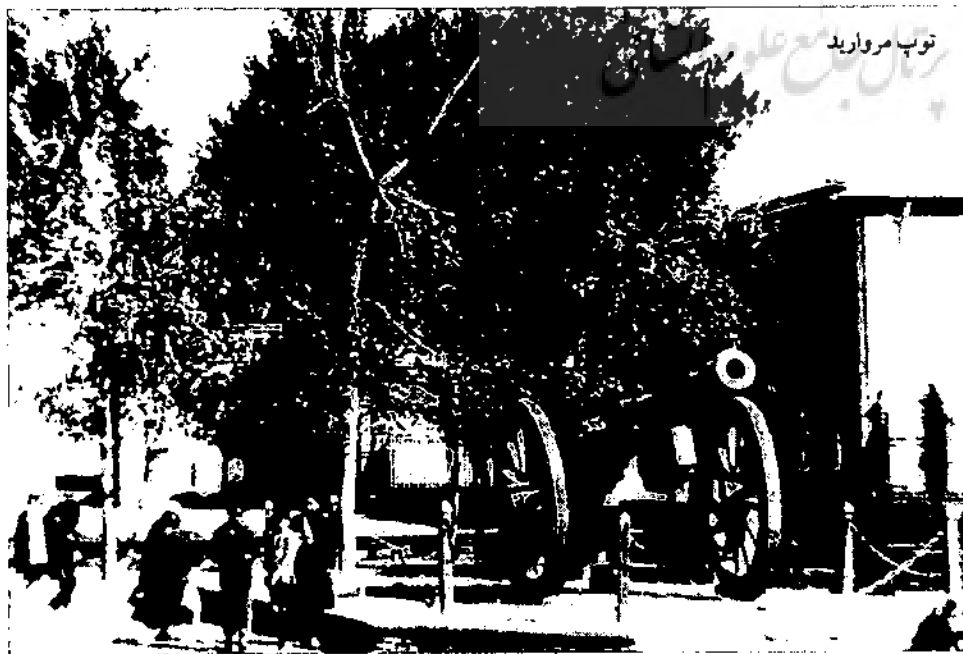
بخش سوم طی دو فصل به بررسی وضعیت «بهداشت عمومی» و «جمعیت و تحولات آن» در مقطع زمانی موردنظر می‌پردازد. عمده‌ترین مباحث این بخش عبارت‌اند از: «نظافت و پیشگیری از شیوع بیماری»، «شیوع وبا و طاعون و تب نوبه»، «درمان‌های سنتی»، «آشنایی با طبابت جدید»، «آمارهای بهداشتی»، «تحولات کلی جمعیت تهران در دوره قاجاریه» و «نخستین احصائیه‌ها». پژوهنده اثر در یک نگاه اجمالی و کلی به دو مقوله بهداشت و جمعیت تهران می‌نویسد: «بهداشت: امر بهداشت و پیشگیری از بروز و شیوع انواع بیماری‌ها که بی‌شک در تقلیل و تزاید جمعیت شهر دخالت تام داشته، در دوره قاجاریه اندک اندک مورد توجه قرار گرفته و با تأسیس نهادهای «احتسابیه» و «بلدیه» و پدید آوردن مراکز نظافت و بهداشت و مبارزه با امراض بومی و عارضی،

پیشرفت‌هایی حاصل آمد. پزشکی و داروسازی و درمان‌های جدید رونق پیدا کرد و به مرور با ایجاد مریضخانه و درمانگاه و آزمایشگاه و ورود نیروهای انسانی جدید در خدمات پزشکی، جامعه در حرکت به سوی سلامت نسبی قرار گرفت (جمعیت: امر جدید (فوق‌الذکر) و دیگر عامل‌های اجتماعی خاصه مهاجرت‌ها، در فزونی جمعیت تهران اثرات شایانی در دوره‌های چندگانه سلطنت قاجاریه باقی گذاشت به گونه‌ای که جمعیت سی هزار تنی سال‌های آغازین پایتختی تهران، به بیش از دویست هزار تن رسید و «احصاییه»هایی شد که خود به مرور پدیدآورنده علم جمعیت یا مردم‌نگاری (Demography) ایران گردید».

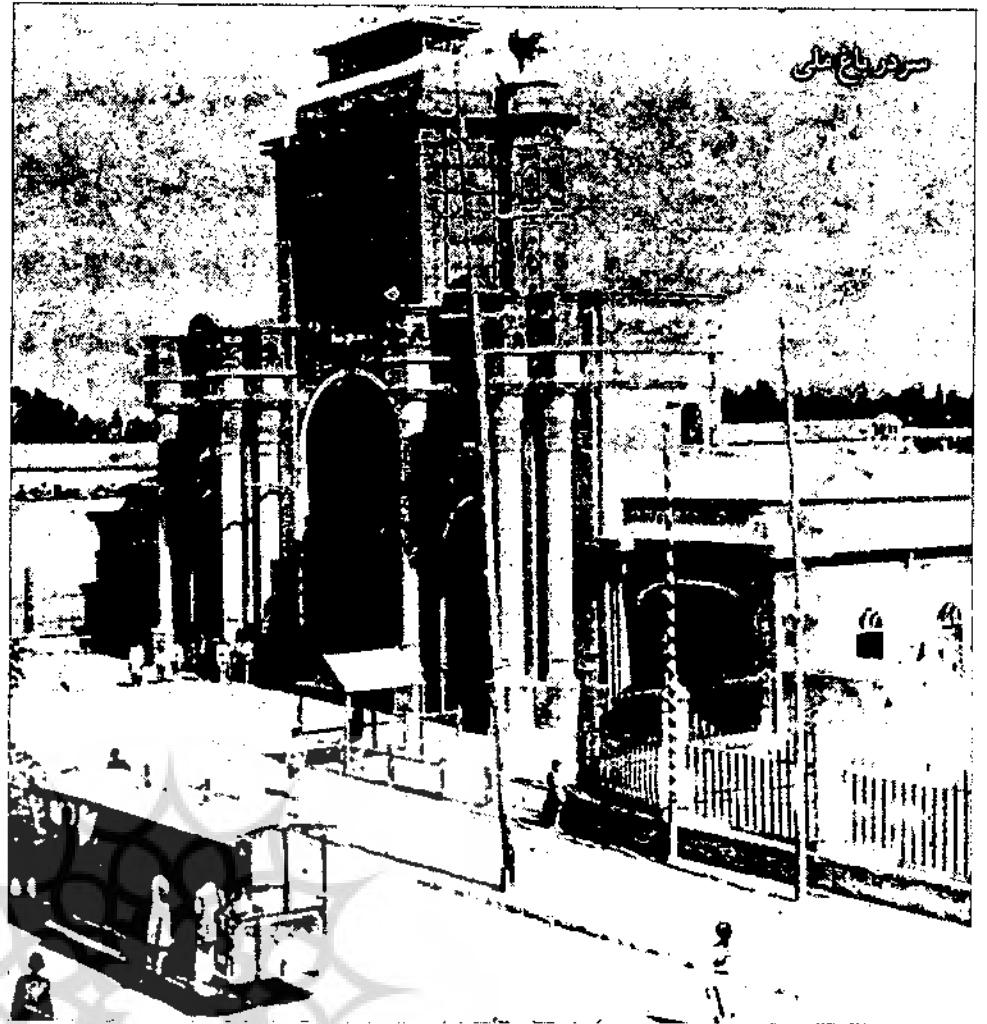
چهارمین بخش کتاب نیز ذیل دو فصل به بررسی و شناخت سیمای اقتصادی، شامل محصولات، تولیدات، شکل و محل بازارها و مراکز داد و ستد و حرفه و صنعت و مشاغل و حرفه‌ها در تهران از عهد ناصری تا آغاز پهلوی اختصاص یافته است. مقولاتی که در این بخش از آنها سخن به میان آمده به قرار زیرند: «بازار تهران و منزلت اجتماعی و اقتصادی آن»، «شکل‌گیری بازار در حصار شاه تهماسبی»، «تحول بازار در دارالخلافه ناصری»، «بازار کنانون اقتصاد و تولید و فرهنگ و سیاست»، «پدید آمدن نهادهای تولیدی جدید (کارگاه‌ها و کارخانه‌های جدید)»، «چند آمار شغلی و حرفه‌ای».

موضوع آخرین بخش کتاب (بخش پنجم) شناخت و بررسی وضعیت آموزش و فرهنگ عمومی و نهادهای وابسته به آنها است، مباحث زیر را شامل می‌گردد: «نظام و نهادهای آموزش و پرورش»، «آموزش و پرورش سنتی»، «آموزش و پرورش جدید»، «مدرسه‌های مسیونری»، «برپایی مدرسه‌های عالی و تخصصی»، «تأسیس و رواج کتابخانه»، «چاپ و نشریات ادواری»، «موزه و باستان‌شناسی»، «نهادهای جدید فرهنگی - تفریحی».

مؤلف در نگاهی جامع به مقوله فرهنگ و آموزش و



توپ مروارید



طهرانی»، «حاج میرزا ابوالفضل بن ابوالقاسم طهرانی نوری»، «علیخان دولو قاجار ظهیرالدوله»، «میرزا محمدحسین فروغی»، «میرزا محمدرضا کلهر»، «لسان الملک سپهر»، «میرزا تقی خان مجدالملک»، «محمدتقی بن عبدالرحیم طهرانی»، «محمدحسین بن عبدالرحیم طهرانی»، «حاج ملاهادی مدرس طهرانی»، «فرهاد میرزا معتمدالدوله»، «میرزا سیدعلی طهرانی»، «میرزا عبدالکریم طیبی»، «میرزا ابوالقاسم ناصرالملک»، «میرزا علی اکبر خان کرمانی ناظم الطباء»، «حاج شیخ هادی نجم آبادی»، «حاج میرزا عبدالغفار نجم الملک اصفهانی»، «حاج ملا محمود نظام العلماء»، «میرزا هدایت الله وزیر دفتر» و «رضاقلی خان هدایت».

معرفی اجمالی جلد دوم کتاب، «تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران» در اینجا به پایان می رسد لیکن اشاره به چند نکته ویژگی کلی ضروری است. از مهمترین ویژگی های کتاب که بدان برجستگی خاص بخشیده، بهره مندی فراوان مؤلف از عکس ها و تصاویر متعدد تاریخی است به گونه ای که هیچ فصلی از بخش های پنجگانه کتاب را نمی یابیم که درباره موضوع آن فصل چندین عکس و تصویر مرتبط با آن از انبیه و آثار گرفته تا تصاویر چهره ها و شخصیت های نامبرده در متن همراه نشده باشد. بدیهی است این ویژگی در کتابهای حوزه جغرافیای تاریخی، فهم مطلب و درک خواننده را از مباحث کتاب بسیار سهل تر و دلنشین تر می سازد.

علاوه بر این استفاده گسترده و شایسته مؤلف از منابع دست اول، اعم از کتابهای تاریخی، گزارشهای رسمی، اسناد، سفرنامه ها و عکس های تاریخی، بر اعتبار و ارزش اثر بسی افزوده است. همچنین استفاده فراوان از جدول های آماری - تقریباً برای هر مبحث - مربوط به جنبه های گوناگون زندگی اجتماعی کتاب را پر بارتر و مستندتر ساخته است. تبویب و تقسیم بندی مناسب و کاربردی مطالب نیز از دیگر وجوه قوت کتاب به شمار می آید. نویسنده معمولاً هر بخش را با «درآمدی» حاوی مباحث و دیدگاههای کلی آن بخش آغاز می کند و پس از ارائه مطالب طی فصول و مباحث جزئی تر، در پایان هر بخش نیز نتیجه گیری خود را ذیل عنوان «حاصل» سخن به همراه یادداشت های مربوط به همان بخش آورده است. صفحات پایانی کتاب نیز به «انجام نامه» و نمایه های اسامی اشخاص، جاها و مکان ها، سلسله ها و دوره های تاریخی، کتاب ها و مقاله ها و نشریه ها، تصویرها اختصاص یافته است. در خاتمه می توان بدون اغراق گفت که اثر حاضر یکی از مهمترین نمونه های تک نگاری (Monography) جغرافیای تاریخی در مورد یک شهر است که می تواند نمونه و الگوی مفید و کاملی برای تحقیق در مورد سایر شهرهای ایران، حداقل شهرهای مهم این مرز و بوم قرار بگیرد.

یادداشت ها:

- ۱- دکتر تکمیل همایون، ناصر: تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ج ۲، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۰.
- ۲- همان، ص ۵۶.

فرهنگی - تفریحی چون باغ وحش، سینما و تماشاخانه و ورزشگاه های جدید و جز اینها نیز به منصفه ظهور رسیدند که هر یک به نوعی ظواهر فرهنگ اروپایی را رواج دادند». در آخرین فصل بخش پنجم کتاب، زندگی نامه و معرفی نامه هایی کوتاه همراه با مناصب و آثار و برخی اقدامات گروهی از مشاهیر و علما و رجال فرهنگی تهران در دوران مورد بحث فراهم آمده است. شخصیت های معرفی شده عبارت اند از: «میرزا محمدحسن آشتیانی»، «اعتضادالاطبا (حاج میرزا عبدالباقی)»، «علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه»، «محمدحسین خان اعتضادالسلطنه»، «دکتر خلیل خان تقی اعلم الدوله»، «میرزا زین العابدین پسر میرزا ابوالقاسم امام جمعه»، «ایرج میرزا جلال الممالک»، «محمدابراهیم بدایع نگار»، «آقا سیداسماعیل بهبهانی»، «آقا سیدعبدالله بهبهانی»، «بهمن میرزای قاجار»، «آقا میرزا سیدعلی اکبر تفرشی»، «آقا میرزا ابوالحسن جلوه»، «حاج ملا محمدجعفر چالمیدانی»، «حاج سیدعلی طهرانی»، «حاج ملاعلی طهرانی»، «حاج ملاعلی کنی»، «حاج ملامحمد طهرانی»، «حاج میرزا حسین طهرانی»، «حاج میرزا خلیل طهرانی»، «میرزا اسماعیل بن میرزا محمدعلی حیرت طهرانی»، «حاج میرزا محمود درآشویی»، «آقا علی زنوزی»، «ابونصر فتح الله خان کاشانی شبیانی»، «حاج شیخ عبدالحسین طهرانی شیخ العراقین»، «میرزا لطفعلی صدرالافاضل»، «حاج میرزا صفا»، «حاج میرزا حسن اصفهانی صفی علیشاه»، «میرزا احمد طیبی کنی»، «حاج میرزا ابوالقاسم بن محمدعلی

پرورش در چهارچوب زمانی تعیین شده در این جلد، می نویسد: «با توجه به ویژگی منطقه ای ری و تهران و استمرار فعالیت های آموزش سنتی در مکتب خانه ها و مدرسه ها و نیز تأسیس «دارالفنون»، از پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ هـ. ق / ۱۸۵۱ م، گام های تازه ای در نوسازی آموزش برداشته شد. در سال ۱۲۷۲ ق / ۱۸۵۵ م، وزارت علوم تأسیس گردید و در نهم ذیحجه الحرام ۱۲۷۵ ق / ۱۸۵۶ م، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه که از دانشمندان زمان خود بود، از سوی ناصرالدین شاه سمت وزیری یافت. وی نخستین وزیر مسئول این امر اجتماعی است که بیست و دو سال بخش نسبتاً مهمی از آموزش و پرورش کشور را عهده دار بود.

فعالیت آموزش و پرورش در تهران که از جهات گوناگون در پیوند با نهاد آموزش و پرورش سراسر ایران بود و با آن همسانی هایی نیز داشت، در بخش های سنتی و نو، تا پای گیری سلطنت رضاشاه تحول یافت و در زمان هایی مدرسه های میسیونری نیز به حیات فرهنگی و بهداشتی و درمانی خود ادامه دادند. در دوره پایانی سلطنت قاجاریه، به سبب لزوم و ضرورت، مدرسه های عالی چندی نیز در زمینه های گوناگون پدید آمدند که در جمع نهادهای آموزش و پرورش، این شهر را دگرگون ساخت. همزمان با تداوم مراسم و آیین های سنتی تشکیل محافل جدید ادبی و هنری، راه اندازی چاپخانه و چاپ کتاب و روزنامه ها و مجلات گوناگون، تأسیس کتابخانه، موزه و نهادهای جدید